

راه‌حلی مؤمنانه برای زیست در دنیای مدرن: تحلیلی بر گفت‌وگوی ادیان

mohamadhaghani@gmail.com

محمد حقانی فضل / دکتری مطالعات تطبیقی ادیان، دانشگاه ادیان و مذاهب

مهراب صادق‌نیا / استادیار گروه ادیان ابراهیمی، دانشگاه ادیان و مذاهب

دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۲۶ - پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۰۵

چکیده

در تاریخ روابط ادیان ابراهیمی، نمونه‌های فراوانی از تعاملات صلح‌آمیز و همراه با مسالمت‌جویی را می‌توان مشاهده کرد؛ اما بسیاری معتقدند گفت‌وگوی ادیان مسئله‌ای مدرن است و با نمونه‌هایی که در دنیای پیشامدرن اتفاق افتاده است، تفاوت بنیادین دارد. اینجا این پرسش مطرح می‌شود که چه چیزی گفت‌وگوی ادیان را از تعاملات صلح‌آمیز ادیان در گذشته جدا می‌کند و به آن هویتی متمایز می‌بخشد. مقاله حاضر برای پاسخ به این پرسش، به تحلیل مؤلفه‌های گفت‌وگوی ادیان پرداخته است. تحلیل این مؤلفه‌ها سه ویژگی را برجسته می‌سازد: تسلط ارزش‌های مدرن؛ ارتقای جایگاه دیگری دینی؛ و داشتن رویکرد عمل‌گرایانه. عمل‌گرایی، گفت‌وگوی ادیان را به امری فرالهیاتی بدل کرده است که می‌تواند با مبانی الهیاتی متنوع و متفاوت سازگار شود. ارتقای جایگاه دیگری دینی نیز خصوصیتی است که گفت‌وگوی ادیان را از تاریخچه تعامل‌های مسالمت‌آمیز ادیان جدا می‌کند. این دو ویژگی و دیگر ارزش‌های مدرنی که گفت‌وگوی ادیان را جهت‌دهی می‌کنند، همان وجه تمایزی‌اند که به گفت‌وگوی ادیان تشخص می‌بخشند و آن را به راهی برای بازسازی تعاملات ادیان در دنیای مدرن تبدیل می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: گفت‌وگوی ادیان، دین در دنیای مدرن، روابط اسلام و مسیحیت، نوسترا اتاتنه، کلمه سوا.

در میان دیدگاه‌های مختلفی که دربارهٔ تعامل بین ادیان وجود دارد، امروزه سکهٔ حامیان گفت‌وگو رونق و مقبولیتی بسیار بیشتر دارد. با نگاهی گذرا به اخبار تعاملات رهبران و پیروان ادیان و نیز رصد همایش‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی، به‌راحتی می‌توان مشاهده کرد که منادیان گفت‌وگوی ادیان، پرچم‌دار تعامل شده‌اند. گرچه نگاهی به گروه‌های بنیادگرا در ادیان مختلف نشان می‌دهد که هنوز گروه‌ها و افرادی که چندان اعتقاد به هم‌زیستی و گفت‌وگوی با دیگر ادیان ندارند کم‌شمار نیستند و حتی شاید نتوان با قطعیت ادعا کرد که حامیان گفت‌وگوی ادیان، از نظر تعداد از مخالفان گفت‌وگو پیشی گرفته‌اند؛ با این حال، با قطعیت می‌توان مدعی شد که جریان حامی گفت‌وگوی ادیان، جریانی قوی و پیش‌رونده است و از سوی نهادهای دینی فراوانی حمایت می‌شود. در فضای ادیان ابرهیمی نیز اوضاع به همین شکل است و در بین دیدگاه‌های مختلف، غلبه از آن حامیان گفت‌وگوست.

اصطلاح «گفت‌وگوی ادیان» (Inter-religious Dialogue) به معنایی که امروزه از آن می‌فهمیم، در دههٔ ۶۰ تا اواسط دهه ۷۰ میلادی رواج یافت (شارپ، ۱۳۸۴، ص ۳۴-۳۵). بسیاری معتقدند گفت‌وگوی ادیان مسئله‌ای مدرن است و با نمونه‌هایی که در دنیای پیشامدرن اتفاق افتاده، تفاوت بنیادین دارد (هجز، ۲۰۱۰، ص ۵۹). از این‌رو، این پرسش مطرح می‌شود که چه چیزی گفت‌وگوی ادیان را از تعاملات صلح‌آمیز ادیان در گذشته جدا می‌کند و به آن هویتی متمایز می‌بخشد.

برای پاسخ به این پرسش ابتدا نشان خواهیم داد که گفت‌وگوی ادیان به‌شکلی که امروزه رواج دارد، یک الگوی تعاملی و کنشی است، نه صرفاً گفت‌وگو بر سر مباحث الهیاتی. در بخش دوم مقاله، مفاهیم و مؤلفه‌های سازندهٔ این الگو معرفی خواهند شد. با توجه به تمرکز این مقاله بر روی ادیان ابراهیمی، آنچه در اینجا گزارش می‌شود، مؤلفه‌هایی هستند که با استفاده از روش نظریهٔ داده‌بنیاد، از پنج سند معتبر مسیحی، یهودی و اسلامی استخراج شده‌اند. این مؤلفه‌ها به‌صورت جدولی نظام‌یافته ارائه خواهند شد. در بخش سوم، با تحلیل این مؤلفه‌ها، به‌تفصیل به بررسی ویژگی‌هایی می‌پردازیم که موجب تمایز الگوی گفت‌وگوی ادیان از دیگر دیدگاه‌ها می‌شوند. این ویژگی‌ها نشان می‌دهند که چرا باید گفت‌وگوی ادیان را پدیده‌ای جدید بدانیم که با آنچه در طول تاریخ بین ادیان رخ داده است، تمایز دارد.

۱. گفت‌وگوی ادیان به‌مثابهٔ الگویی برای تعامل بین ادیان

گفت‌وگو (dialogue) در لغت به معنای مکالمه یا گفت‌وشنودن است. قطعاً چنین اتفاقی از زمان‌های بسیار قدیم و حتی از آغاز پیدایش ادیان بزرگ رخ داده است؛ اما آنچه امروزه به‌عنوان «گفت‌وگوی ادیان» در ادبیات و آثار دینی به کار می‌رود، به دیدگاه و الگویی خاص در زمینهٔ تعامل ادیان اشاره دارد. الگوهای روابط بین ادیان به مسائلی از این دست پاسخ می‌دهند: دیگری دینی چه جایگاهی دارد و چگونه باید با او تعامل کرد؟ آیا باید با او مدارا کرد یا

رواداری امری نارواست؟ تا چه میزان می‌توان با او نشست و برخاست؟ نحوه تعامل با اقلیت‌های دینی چگونه باید باشد؟ و مانند اینها.

شاید بتوان این الگوهای رفتاری را به الگوهای رفتاری رایج در تعاملات سیاسی بین ملت‌ها تشبیه کرد. تعاملات سیاسی ملت‌ها همواره یکسان نیست و در دوره‌های مختلف و بسته به شرایط، از الگوهای مانند هم‌پیمانی، دشمنی، جنگ، صلح و مانند اینها تبعیت می‌کنند. نحوه تعامل ادیان با یکدیگر نیز همواره یکسان نبوده و از الگوهای مختلفی پیروی کرده است. رایج‌ترین الگویی که در طول تاریخ و تا پیش از دوران معاصر وجود داشته است را می‌توان الگوی طرد و انکار نام گذاشت. در این الگو، دیگری دینی طرد می‌شود و اینکه او نیز از حقی برابر با افراد خودی برخوردار باشد، انکار می‌شود. جنگ‌های فراوانی که در طول تاریخ با انگیزه‌های دینی بین پیروان ادیان و حتی بین فرقه‌های مختلف یک دین رخ داده است، ذیل همین الگوی رفتاری قرار می‌گیرد. الگوی دیگری نیز وجود دارد که می‌توان آن را الگوی پذیرش مطلق نامید. طرفداران این دیدگاه را در بین برخی از عرفا و طریقت‌های عرفانی و همچنین در بین برخی از طرفداران الهیات جهانی (universal theology) می‌توان یافت. در این الگوی رفتاری، فرقی بین خودی و دیگری دینی نیست و همه کاملاً برابری و اختلافات نیز اموری ظاهری به‌شمار می‌آیند که باید در جهت بی‌اثر کردن آنها اقدام کرد. البته الگوهایی که در اینجا به آنها اشاره شد، صرفاً توصیفاتی کلی‌اند و می‌توان با دقت در جزئیات، الگوهای ریزتری را نیز مطرح کرد (برای نمونه‌ای از این الگوهای خردتر، ر.ک: رنارد، ۱۳۹۴، ص ۲۹-۴۵). هدف از این توصیفات کلی، اشاره به این مطلب بود که «گفت‌وگوی ادیان» نیز یکی از همین الگوهای رفتاری است.

یکی از راه‌هایی که ما را به فهم «گفت‌وگوی ادیان» نزدیک می‌کند توجه به زمینه‌های پیدایش و رونق آن است. از جمله باورها و آموزه‌هایی که به‌عنوان زمینه‌های فکری گفت‌وگوی ادیان مطرح شده‌اند، می‌توان به این موارد اشاره کرد: نوشته‌های اگزیستانسیالیستی، که می‌گفتند دیگری را نباید «او» بلکه باید «تو» دانست (شارپ، ۱۳۸۴، ص ۳۶)؛ دیدگاه‌هایی که تحقق یک جامعه دینی منسجم و یکپارچه را عملاً غیرممکن می‌دانند (گروستبرگر، ۱۰۲۷، ص ۴)؛ عقاید بسیار مؤثری همچون شعار آزادی بیان و نیز به رسمیت شناختن تکثر در همه جنبه‌های زندگی (اشیتز، ۱۳۸۰، ص ۲۵۶). اصولاً در دنیای جدید وقتی کسی حس کند که دیگری به هیچ وجه تمایلی به آموختن از او ندارد و احترامی برای فرهنگ و اندیشه او قائل نیست، او نیز متقابلاً تمایلی به شنیدن حرف آن دیگری نشان نمی‌دهد (مک‌درمات، ۲۰۱۰، ص ۱۱)؛ تک‌صدایی و مونولوگ چنان محکوم شده است که بزرگ‌ترین چالش پیش روی کلیسا در قرن بیست و یکم را «رسوایی ویژه‌گرایی» (scandal of particularity) دانسته‌اند (همان، ص ۱۰-۱۱). این فضای فکری جوامع دینی را به سمتی سوق داده است که راهی بیابند تا فرد مؤمن در عین احترام به این امور، «از اقرار به اصالت ایمان خود دست نکشد و مرکزیت و محوریت ایمان در زندگی‌اش را انکار نکند» (ای.کی.دی، ۲۰۱۵، ص ۶).

در کنار این مسائل فکری، تلاش برای گریز از نزاع‌ها و خشونت‌هایی که بشر در قرن بیستم با آن مواجه بود (کاسپر، ۲۰۰۱)، تلاش برای اصلاح بدبینی‌های بین ادیان (تایلور، ۱۹۷۹، ص ۳۷۵)، گریز از «برخورد تمدن‌ها» (کاسپر، ۲۰۰۱)، بازگرداندن آرامش به مناطقی که به علت اختلاف مذهبی دچار مشکل شده‌اند (کاجیورا، ۲۰۱۲، ص ۱۷۱)، و نیز مسئله مهاجران، از مهم‌ترین زمینه‌های اجتماعی و عملی گفت‌وگوی ادیان معرفی شده‌اند (ر.ک: فن‌دام، ۲۰۱۷).

این زمینه‌ها به روشنی نشان می‌دهد که گفت‌وگوی بین ادیان را باید چیزی فراتر از مکالمه و گفت‌وشنود، هم‌سخنی یا برگزاری جلسات مکالمه بین نمایندگان ادیان دانست (کورنیل، ۲۰۱۳، ص ۲۰). در واقع، اصطلاح گفت‌وگوی ادیان برای توصیف ارتباطی بین ادیان به کار می‌رود که در آن، ادیان «به جای رقابت با یکدیگر بر سر قلمرو، پیروان یا دعاوی خود، مشی مصالحه‌جویانه‌تر و سازنده‌تری را با یکدیگر در پیش گرفته‌اند و در برنامه‌های اجتماعی درباره مسائل دینی مشترک، تبادل نظر و همکاری می‌کنند» (همان، ص ۱۱۲؛ همچنین ر.ک: دابلیو.سی.سی، ۲۰۱۶، ص ۷). این تعریف و دیگر تعاریفی که حامیان گفت‌وگوی ادیان از گفت‌وگو ارائه می‌دهند، نشان می‌دهد که گفت‌وگو الگویی رفتاری است که تمام ساحت‌های زندگی را دربرمی‌گیرد.

۲. مؤلفه‌های گفت‌وگوی ادیان

درباره مفاهیم اصلی و مؤلفه‌های سازنده گفت‌وگوی ادیان، دیدگاه‌های متعددی وجود دارد؛ اما بیشتر این نظریه‌ها و دیدگاه‌ها از منظری خاص به این مسئله نگریسته‌اند؛ به همین دلیل، نمی‌توان آنها را منبایی برای پاسخ دادن به پرسش این مقاله قرار داد؛ زیرا با توجه به تکرر و تشتت گروه‌ها و افراد فعال در عرصه گفت‌وگوی ادیان، رجوع به نوشته‌های یک عالم به‌خصوص یا آثار متعلق به یک جریان محدود، با خطر سوگیری مواجه است. برای حل این مسئله، باید مستقیماً به سراغ منابع و آثاری برویم که مقبولیتی عام در بین حامیان الگوی گفت‌وگو داشته باشند.

۲-۱. منابع شناخت مؤلفه‌ها

بررسی آثار موجود درباره گفت‌وگوی ادیان ما را به پنج سند می‌رساند که می‌توان آنها را شناخته‌شده‌ترین و مهم‌ترین اسناد مسیحی، اسلامی و یهودی در این زمینه دانست. این اسناد به ترتیب زمان صدور عبارت‌اند از:

نوسترا اتاته، کلیسای کاتولیک، ۱۹۶۵م: نوسترا اتاته (Nostra Aetate) که عبارتی لاتین به معنای «در زمان ما» است، عنوان بیانیه‌ای است درباره رابطه کلیسا با ادیان غیرمسیحی که در شورای دوم واتیکان تصویب شد. این شورا و بیانیه‌های آن را از مهم‌ترین وقایع کلیسایی و حتی دینی جهان در قرن بیستم دانسته‌اند (برای اهمیت این شورا و این بیانیه، بنگرید به: لامب، ۲۰۰۸؛ بوری، ۲۰۱۷؛ فالکنبرگ، ۲۰۱۶). تأثیر عظیم این شورا ناشی از آن است که در واقع، شورای دوم واتیکان بازتاب تلاش کلیسا برای سازگاری با دنیای مدرن است (بوری، ۲۰۱۷، ص ۲۳-۲۹). نوسترا اتاته نیز به تبع روح کلی شورا، نشان‌دهنده تغییری عمده در دنیای کاتولیک نسبت به

دیگر ادیان بود و باب تعامل و گفت‌وگوی با ادیان دیگر را گشود (کوهن، ۲۰۱۷، ص ۲۱). نوستراتاتنه در طول نیم‌قرنی که از صدور آن می‌گذرد، بسیار مورد توجه کاتولیک‌ها بوده است (برای نمونه ر.ک: سخنرانی پاپ فرانسیس، ۲۰۱۵).

دابرو اِمِت، ربی‌ها و اندیشمندان یهودی، ۲۰۰۰م: در سپتامبر سال ۲۰۰۰م، بیانیه‌ای با نام «دابرو اِمِت» (Dabru Emet) با هدف بهبود رابطهٔ یهودیان با مسیحیان و مسیحیت منتشر شد که امضای بیش از دویست نفر از ربی‌ها و عالمان یهودی از گروه‌ها و فرقه‌ها و گرایش‌های مختلف یهودی را در پای خود داشت. این سند هیاهوی فراوانی پدید آورد و مورد توجه رسانه‌های جهان قرار گرفت و در مدت کوتاهی به چندین زبان ترجمه گردید و همایش‌ها و کنفرانس‌های متعددی دربارهٔ آن برگزار شد که در برخی از آنها چندین مجلد مقاله ارائه گشت (سندمل، ۲۰۱۷، ص ۱۶۰). میزان توجه به این سند تا حدی بوده است که آن را نقطهٔ عطفی مهم در تحولات روابط یهودیان و مسیحیان دانسته‌اند (ر.ک: کسلر، ۲۰۰۲؛ روزن، ۲۰۰۱).

کلمهٔ سواء، عالمان و مفتیان مسلمان، ۲۰۰۷م: یک‌سال بعد از سخنرانی پاپ بندیکت شانزدهم در سال ۲۰۰۶م که در آن وی جمله‌ای را نقل کرده بود که از نظر مسلمانان اهانت به اسلام و پیامبر بود (پاپ بندیکت شانزدهم، ۲۰۰۶)، بیش از یک‌صد عالم، روحانی و متفکر مسلمان نامه‌ای را با عنوان «کلمهٔ سواء بیننا و بینکم» خطاب به سران تمام کلیساهای جهان منتشر کردند و آنان را به صلح و همکاری دعوت نمودند. امضاکنندگان این نامه که اکنون به بیش از چهارصد نفر رسیده‌اند، از بین پیروان تمام فرقه‌ها و مکاتب اسلامی هستند. این نامه مورد توجه زیادی قرار گرفت (برای گزارشی از همایش‌ها و کنفرانس‌ها، پاسخ‌های مسیحیان، و نیز کتاب‌ها و مقالات ناظر به این نامه بنگرید به: مؤسسه آل‌البیت للفکر الاسلامی، ۲۰۱۲، ص ۱۳-۱۴، ۲۴؛ نوابگو، ۲۰۱۱، ص ۹۶-۹۷). «کلمهٔ سواء» را بعد از «نوستراتاتنه» مهم‌ترین اقدام در زمینهٔ روابط مسلمانان و مسیحیان دانسته‌اند (همان، ص ۸).

ایمان مسیحی و تنوع ادیان: منظری پروتستانی، کلیسای انجیلی آلمان، ۲۰۱۵م: کلیسای انجیلی آلمان (Evangelische Kirche in Deutschland) در این سند تلاش می‌کند که پاسخ‌هایی عملیاتی و منسجم برای مواجهه با تکثر دینی موجود در دنیای مدرن ارائه دهد (ای.کی.دی، ۲۰۱۵، ص ۷). اهمیت این سند، هم از این جنبه است که دستورالعملی منسجم و مفصل ارائه می‌دهد (نزدیک به پنجاه صفحه) و هم از این زاویه که ناظر به زندگی روزمره و قوانین آلمان تدوین شده است و چون اهدافی عملیاتی دارد، به فهم ذهنیت طرفداران گفت‌وگوی ادیان کمک می‌کند.

خوانده‌شده به گفت‌وگو، شورای جهانی کلیساها، ۲۰۱۶م: شورای جهانی کلیساها (World Council of Churches) شورایی متشکل از ۳۴۹ کلیسای جهانی، منطقه‌ای و ملی و محلی (به‌جز کلیسای کاتولیک) است که تعداد پیروان فرقه‌هایی که عضو آن هستند به ۵۹۰ میلیون نفر در حدود ۱۵۰ کشور می‌رسد. این شورا در سال ۲۰۱۶م کتابچه‌ای را با عنوان «خوانده‌شده به گفت‌وگو: گفت‌وگوی بین دینی و درون‌مسیحی در مکالمهٔ جهانی، یک راهنمای عملی»

منتشر کرد (دابلیو.سی.سی، ۲۰۱۶، ص ۳). از آنجاکه شورای جهانی کلیساها شامل گروه‌ها و فرقه‌های مسیحی متعددی است و بسیاری از کلیساهای غیر کاتولیک در آن عضوند، می‌توان آن را نماینده نگاه فرقه‌های مسیحی به مسئله گفت‌وگوی ادیان دانست.

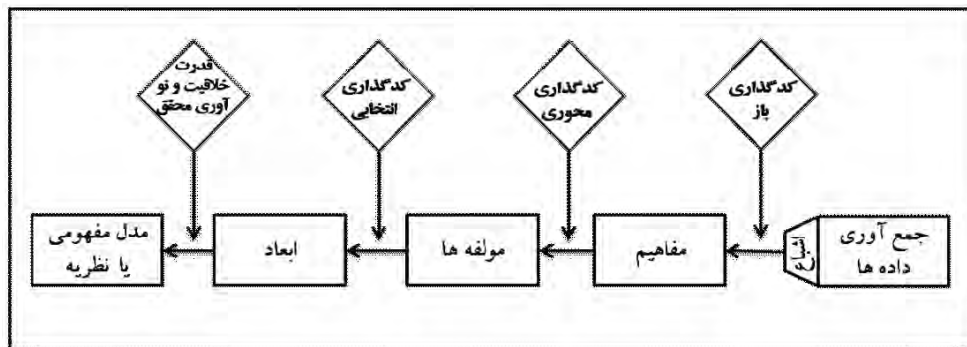
نخستین دلیل انتخاب این اسناد آن است که می‌توان آنها را به‌گونه‌ای مقبول و موجه بیانگر نظرات حامیان گفت‌وگو در آن دین یا فرقه مذکور دانست. در مورد اسناد مسیحی، به‌ویژه سند کلیسای کاتولیک، با توجه به ساختار این کلیساها و شوراها، این انتساب کاملاً روشن است. در مورد بیانیه‌های اسلامی و یهودی نیز امضاکنندگان این بیانیه‌ها متعلق به یک گروه خاص نیستند؛ بلکه عالمانی پرشمار از فرقه‌ها و گروه‌های مختلف آنها را امضا کرده‌اند؛ از این‌رو، این اسناد کاملاً با هدف ما تناسب دارد و می‌توان آنها را به طرفداران گفت‌وگوی ادیان در جهان اسلام و یهودیت انتساب داد.

دلیل دیگر اینکه رسمی و جمعی بودن این اسناد باعث می‌شود که از افتادن در دام نمونه‌های فرعی و افراطی برهیم. از آنجاکه این اسناد از سوی نهادهای والامرتبه کلیسایی و بر اساس تصمیم جمعی اعضای بلندمرتبه آن نهاد صادر شده‌اند، این اسناد دیدگاهی را نمایندگی می‌کنند که مورد قبول همه حامیان گفت‌وگو در آن فرقه است؛ زیرا قطعاً دیدگاه‌های افراطی یا شاذ این امکان را نمی‌یابند که از سوی مقامات بلندمرتبه کلیسایی و به‌عنوان نظر رسمی اعلام شوند. در بیانیه‌های اسلامی و یهودی نیز توافق افراد پرشمار از گروه‌ها و مکاتب مختلف این اطمینان را می‌دهد که آنچه در آن بیانیه مطرح شده است، حد وسط و مورد قبول قاطبه حامیان گفت‌وگوی ادیان در آن دین است.

دلیل دیگری که باعث می‌شود انتخاب این اسناد برای تحلیل مؤلفه‌های گفت‌وگوی ادیان کاری علمی و مقبول باشد، آن است که کتاب‌ها و نوشته‌هایی که از گفت‌وگوی ادیان دفاع می‌کنند، به دفعات از این اسناد نام برده و به آنها اشاره کرده‌اند و در بیشتر موارد، سعی در شرح و بسط همان مفاهیمی را دارند که در این اسناد مطرح شده‌اند.

۲-۲. استخراج مفاهیم و مؤلفه‌ها

برای کشف مفاهیم اصلی و مؤلفه‌های سازنده گفت‌وگوی ادیان، به بازخوانی این اسناد پنج‌گانه با روش «نظریه داده‌بنیاد» (Grounded Theory) پرداختیم (برای مشاهده دو پژوهش که قصد دارند نشان دهند روش نظریه داده‌بنیاد، روشی کارآمد برای فهم و نظریه‌پردازی در امور دینی است، رک: بهروزی لک و علی یاری، ۱۳۹۶؛ مهرابی و دیگران، ۱۳۹۰). این روش، مستقیماً به سراغ داده‌ها می‌رود و سعی می‌کند تا بر اساس «داده‌ها» نظریه‌ای ارائه کند (ساغروانی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۱۵۱-۱۵۲). در تصویر شماره ۱ روند رسیدن از داده‌ها به مفاهیم و مؤلفه‌ها به‌صورت کاملاً خلاصه ترسیم شده است.



تصویر شماره ۱. روند رسیدن از داده‌ها به مدل/نظریه در روش نظریه داده‌بنیاد

برای تدوین مقاله پیش‌رو نیز پنج سند یاد شده، سطر به سطر خوانده و به قطعات کوچک‌تر تقسیم شدند. این قطعات ممکن است یک کلمه، یک عبارت، یک جمله یا حتی یک بند از این اسناد باشند. بعد از تقسیم متن به قطعات کوچک، برای اشاره به محتوای هر قطعه، یک برچسب (کُد) انتخاب شد. این کدها به نحوی انتخاب شده‌اند که گویای محتوای آن عبارت یا جمله مدنظر باشد؛ به گونه‌ای که هر فرد دیگری نیز با مشاهده آن کد، تا حدود زیادی به مفهوم آن قطعه رهنمون شود. نمونه‌ای از کدگذاری داده‌ها (عبارات و جملات اسناد) برای رسیدن به مفاهیم در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول ۱) نمونه‌ای از کدگذاری باز بر اساس داده‌های پنج سند مذکور

عبارت	منبع	مفهوم
ارتقای رابطه، جذب فرهنگی و دینی که یهودیان به‌حق نگران آن هستند را تسریع نمی‌کند. این رابطه آشکال سستی عبادت یهودی را تغییر نخواهد داد؛ ازدواج بین دینی بین یهودیان و غیریهودیان را افزایش نخواهد داد؛ یهودیان بیشتری را ترغیب نخواهد کرد که به مسیحیت بگروند و التقاطی باطل از یهودیت و مسیحیت ایجاد نخواهد کرد.	دابرو و اِمت	- منفی بودن جذب‌شدن در دین دیگری - لزوم حفظ شکل سستی عبادت - مخالفت با ازدواج بین دینی جهت حفظ هویت دینی - نفی التقاط
دیانت مسیحی [حالت] بیگانه بودن دیگری را محترم می‌شمارد و درعین حال، به خاص بودن خودش نیز آگاه است.	کلیسای انجیلی	- اعتقاد به خاص بودن دین خود

<p>- لزوم اظهار دین خود - پرهیز از تحقیر دیگری</p>	<p>کلیسای انجیلی</p>	<p>کلیسا نمی تواند از اقرار به مسیح اجتناب کند؛ اما این اشتباه خواهد بود که فرض کنیم این به معنای کوچک شمردن دیگر ادیان است.</p>
<p>- مخالفت با دین همه شمول</p>	<p>شورای جهانی کلیساها</p>	<p>البته این مسئله نیز مهم است که به روشنی اعلام کنیم ایجاد یک دین همه شمول هدف مناسب و درستی برای گفت و گوی ادیان نیست.</p>
<p>- لزوم حفظ هویت دیگری</p>	<p>شورای جهانی</p>	<p>گفت و گو تمایز را از بین نمی برد: دیگری، دیگری باقی می ماند.</p>

در ادامه، مفاهیمی را که در مرحله اول استخراج شده بودند، در کنار هم قرار دادیم تا موارد مشابه شناسایی شوند. سپس این موارد مشابه از طریق کدگذاری محوری ذیل یک مؤلفه قرار گرفتند (استراوس و کربین، ۱۳۹۱، ص ۱۴۶). نمونه‌هایی از فرایند رسیدن از مفاهیم به مؤلفه‌ها را در مجموعه جداول شماره ۲ مشاهده می‌کنید.

جدول ۲) نمونه کدگذاری محوری و مؤلفه‌های استخراج شده

مؤلفه	مفاهیم
<p>لزوم گسترش صلح</p>	<p>ترویج دوستی، بخشی از وظیفه کلیسا برای ترویج عشق است</p>
	<p>ترویج صلح، تقلید از رسولان است</p>
	<p>لزوم زندگی صلح‌آمیز با تمام انسان‌ها</p>
	<p>زندگی صلح‌آمیز راهی برای رسیدن به فرزندی خدا</p>
	<p>صلح، بخشی از ملکوت خداست</p>
	<p>صلح آرزوی ادیان</p>
	<p>تحقق صلح وظیفه همه</p>
	<p>صلح دینی، ضامن صلح بین ملت‌ها</p>
	<p>گسترده‌گی فاجعه در صورت عدم صلح</p>
	<p>در خطر بودن آینده جهان بدون صلح ادیان</p>
	<p>استفاده از ایمان جهت ترویج صلح</p>
	<p>رابطه ذاتی بین گفت و گوی ادیان و تعهد به صلح</p>

مؤلفه	مفاهیم
لزوم حفظ هویت خود	منفی بودن جذب شدن در دین دیگری
	لزوم حفظ شکل سنتی عبادت
	مخالفت با ازدواج بین‌دینی جهت حفظ هویت خود
	نفی التقاط
	اعتقاد به خاص بودن دین خود
	لزوم اظهار دین خود
	مخالفت با دین همه‌شمول
	لزوم حفظ هویت دیگری
مؤلفه	مفاهیم
تحمیل تبرک	تحمیل، ثمره‌ای نخواهد داشت
	لزوم احترام به وفاداری طرف مقابل به دین خودش
	گفت‌وگو مانع تبلیغ دین نیست
	عدم اصرار بر برداشتی خاص از یک متن مشترک
	دادن اجازه نقد به دیگران
	تقییح استفاده عامدانه از گفت‌وگو به‌عنوان ابزار تغییر دین دیگری

ارائه تمام جدول‌های استخراج مفاهیم از داده‌ها (عبارات و قطعات اسناد مذکور) و جدول‌های استخراج مؤلفه‌ها از مفاهیم در یک مقاله ممکن نیست (برای مطالعه تفصیلی داده‌ها، مفاهیم و مؤلفه‌ها، رک: حقانی فضل، ۱۳۹۷، ص ۴۶-۹۰؛ همچنین هر پنج سند به زبان انگلیسی در دسترس عموم قرار دارند)؛ از این رو به جدول‌هایی که در بالا اشاره شد، بسنده می‌کنیم و به معرفی مؤلفه‌ها و ابعاد اصلی می‌پردازیم.

با بررسی اسناد و بیاپه‌های مربوط به گفت‌وگوی ادیان، به ۲۱ مؤلفه می‌رسیم که ذیل چهار دسته کلی‌تر (ابعاد اصلی) قرار دارند:

- مؤلفه‌های مربوط به صلح و خشونت؛
- مؤلفه‌های مربوط به اشتراکات و اختلافات ادیان؛
- مؤلفه‌های مربوط به دیگری دینی؛
- مؤلفه‌های مربوط به اهداف و جنبه‌های عملی ادیان.

براین اساس می‌توان جدولی از ابعاد اصلی گفت‌وگوی ادیان و مؤلفه‌های هر بعد ترسیم کرد. البته این ۲۱ مؤلفه، همه در یک سطح نیستند و برخی از مؤلفه‌ها در واقع زیرمؤلفه‌اند و می‌توان آنها را ذیل مؤلفه‌ای دیگر قرار داد. در جدولی که این مؤلفه‌ها را نشان می‌دهند (جدول شماره ۳)، مؤلفه‌های فرعی‌تر با ستاره‌ای در ابتدای آنها مشخص شده‌اند.

جدول ۳) مؤلفه‌های الگوی گفت‌وگوی ادیان

مؤلفه‌ها	ابعاد اصلی
لزوم گسترش صلح	مؤلفه‌های ناظر به خشونت و صلح
لزوم پرهیز از خشونت	
پاک‌کردن کینه‌ها و اختلافات گذشته	
تأکید بر مشترکات	مؤلفه‌های مربوط به اشتراکات و اختلافات
تأکید بر وجود اختلاف و به رسمیت شناختن اختلاف	
لزوم حفظ هویت خود	
آزادی دینی	
نفی تحمیل	
سپردن قضاوت به خدا	
کرامت و شأن انسانی	مؤلفه‌های مربوط به دیگری دینی
بهره‌مندی دیگری از حق / حجیت دین دیگری	
* همه‌شمول بودن طرح خدا	
* حق‌جو بودن دیگری	
* بهره‌مندی دیگری از نجات	
لزوم تلاش برای فهم دیگری	
آموختن از دیگری	
وجود ارزش‌های فرادینی یا مشترک بین ادیان	مؤلفه‌های مربوط به اهداف جمعی و عملی ادیان
امکان همکاری ادیان	
* مشارکت در شناخت خداوند و گسترش شناخت حقیقت	
* تلاش برای ساختن جهان بهتر و حل معضلات بشر	
گفت‌وگو راهی اصلی برای رسیدن به اهداف و ارزش‌ها	

۳. ویژگی‌های الگوی گفت‌وگوی ادیان

تحلیل مؤلفه‌های یاد شده ما را قادر می‌سازد که ویژگی‌ها و ممیزه‌های الگوی گفت‌وگوی ادیان را بشناسیم؛ زیرا بررسی مؤلفه‌های هر بُعد می‌تواند هسته مرکزی و ارزش اصلی حاکم بر آن بعد را نمایان کند (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۶، ص ۲۰۵).

از این‌رو، ابعاد چهارگانه و مؤلفه‌های زیرمجموعه آنها را مبنای تحلیل خود قرار می‌دهیم تا به ذهنیت حاکم بر فضای فکری گفت‌وگوی ادیان پی ببریم و ویژگی‌های اصلی آن را تشخیص دهیم. از این میان، سه ویژگی هستند که می‌توان گفت طرح‌واره الگوی گفت‌وگوی ادیان را شکل می‌دهند و همان ویژگی‌هایی هستند که باعث تمایز و تشخیص الگوی گفت‌وگوی ادیان می‌شوند.

۳-۱. تسلط ارزش‌های مدرن

با بررسی مؤلفه‌ها و مفاهیمی که در هر بعد وجود دارد، می‌توان به ارزش محوری آن بعد پی برد. در بُعد مربوط به صلح و خشونت، مؤلفه اصلی صلح است و دو مؤلفه دیگر، در واقع در خدمت آن هستند: خشونت نفی می‌شود تا صلح در امان باشد؛ کینه‌ها و اختلافات گذشته نیز از این‌روی به فراموشی سپرده می‌شوند که محملی برای شروع نزاع و خشونت‌اند. بدین ترتیب، می‌توان گفت آنچه این سه مؤلفه را به هم پیوند می‌دهد، «ارزش صلح» است. با بررسی مفاهیم و ادبیات به کار رفته در این اسناد، می‌بینیم که خود صلح موضوعیت دارد؛ یعنی چنین نیست که صلح برای چیزی دیگری خواسته شده باشد؛ بلکه پیش‌فرض این نوشته‌ها این است که باید در صلح زندگی کنیم. در واقع، صلح بذاته مطلوب است. با در نظر گرفتن این نکته می‌توانیم بگوییم که ارزش محوری در بُعد اول، «ارزش ذاتی صلح» است.

در بخش مربوط به اشتراکات و اختلافات ادیان، مؤلفه‌ها حول دو محور شکل گرفته‌اند: «خودی» و «دیگری». تأکید بر مشترکات برای آن است که نشان دهد «دیگری» نیز پیوندهای وثیقی با ما دارد. این مشترکات می‌تواند بهانه‌ای باشد که «دیگری» را در کنار خود بپذیریم. تأکید بر اختلافات و نیز لزوم حفظ هویت بیان می‌کنند که گرچه دیگری با ما اشتراکات فراوانی دارد، اما همچنان ما، ما هستیم و دیگری، دیگری؛ یعنی مرزی وجود دارد که ما و دیگری را از هم جدا می‌کند. مؤلفه آزادی دینی برای این است که بیان کند، گرچه بین ما مرز وجود دارد، اما کارکرد این مرز آن نیست که دیگری را سرکوب کنیم؛ بلکه برای آن است که هویت خویش را تشخیص دهیم و از خاص بودن خود حفاظت کنیم. نتیجه ترکیب دو مؤلفه آزادی دینی و لزوم حفظ هویت خود این می‌شود که ادیان در گفت‌وگوی دینی عقاید خود را ابراز می‌کنند، اما تحمیل عقاید خود به دیگری را نفی می‌کنند. آزادی دینی مستلزم این است که بسیاری از افراد اشتباه کنند و راه خطا را برگزینند؛ از این‌رو، انسان برای آنکه آزادی دینی را خدشه‌دار نکند، دست از قضاوت می‌شوید و آن را به خدا می‌سپرد. تمام این مؤلفه‌ها در کنار هم نشان می‌دهند که در ذهنیت گفت‌وگویی، «خودی» و «دیگری» هر دو به رسمیت شناخته شده، در کنار هم فهمیده می‌شوند.

در بخش مربوط به دیگری دینی، همه مؤلفه‌ها در خدمت «ارتقای جایگاه دیگری» است. مؤلفه کرامت و شأن انسان‌ها این آموزه را بیان می‌کند که هر فردی (در اینجا دیگری دینی)، فارغ از عقیده و باورش، حتی اگر آن اعتقاد با باور ما ناسازگار باشد، از شأن و کرامت برخوردار است. مؤلفه‌های به‌هم‌پیوسته‌ای که بیان می‌کنند دیگری نیز در

طرح خدا قرار دارد و از حقیقت بهره‌مند است، این شأن و کرامت ذاتی را تقویت می‌کنند. دو مؤلفه آخر، در واقع نتیجه مؤلفه‌های قبل هستند؛ به این بیان که وقتی دیگری دارای شأن است و از حق نیز بهره دارد، در این صورت باید او را همان‌گونه فهمید که خودش می‌خواهد و حتی از او آموخت. در واقع، پس از آنکه در بُعد دوم، دیگری در کنار خودی به رسمیت شناخته می‌شود، در بعد سوم، «ارتقای جایگاه دیگری» محوریت می‌یابد.

در بُعد چهارم بیان می‌شود که انسان‌ها هدفی دارند که بین همه آنها مشترک است؛ از این‌رو، این اهداف یا فردینی‌اند یا اینکه بین همه ادیان مشترک‌اند. انسان‌ها نیز قرار است از طریق گفت‌وگو، برای رسیدن به این هدف تلاش کنند. نگاهی به ارزش‌های مطرح‌شده در این بخش نشان می‌دهد که هدف گفت‌وگوی دینی این است که «جهان را به جایی بهتر تبدیل کند». از این‌رو، محور بُعد چهارم «ساختن جهان بهتر» است.

بر این اساس، ارزش‌ها و محورهای اصلی گفت‌وگوی ادیان عبارت‌اند از: ارزش ذاتی صلح، خودی و دیگری در کنار هم، ارتقای جایگاه دیگری، و تلاش برای ساختن دنیایی بهتر (ر.ک: جدول شماره ۴). در اینجا می‌توان بسیاری از ارزش‌ها و آرزوهای دنیای مدرن را مشاهده کرد. در دین سنتی، انسان فقط به دنبال ساختن آخرت خویش است؛ اما اکنون حتی در گفت‌وگوی ادیان نیز می‌خواهد همین دنیا را بسازد. در دنیای سنتی، انسان خود را چندان کاره‌ای نمی‌بیند و تمام مشیت‌ها در دست خداست؛ اما انسان مدرن خود را مؤثر در عالم می‌داند؛ به همین دلیل، در الگوی گفت‌وگوی ادیان، از گفت‌وشنود الهیاتی و تلاش برای فهم مسائل ماورائی فراتر می‌رود و دست به کار ساختن جهانی بهتر می‌شود.

جدول ۴) ارزش‌های اصلی گفت‌وگوی ادیان

مؤلفه‌ها	ابعاد اصلی
	مؤلفه‌های ناظر به خشونت و صلح
لزوم گسترش صلح	ارزش ذاتی صلح
لزوم پرهیز از خشونت	
پاک‌کردن کینه‌ها و اختلافات گذشته	
	مؤلفه‌های مربوط به اشتراکات و اختلافات
تأکید بر مشترکات	«خودی» و «دیگری» در کنار هم
تأکید بر وجود اختلاف و به رسمیت شناختن اختلاف	
لزوم حفظ هویت خود	
آزادی دینی	
نفی تحمیل	
اختصاص قضاوت به خدا	

	مؤلفه‌های مربوط به دیگری دینی
کرامت و شأن انسانی	ارتقای جایگاه «دیگری»
بهره‌مندی دیگری از حق / حجیت دین دیگری	
* همه‌شمول بودن طرح خدا	
* حق جو بودن دیگری	
* بهره‌مندی دیگری از نجات	
لزوم تلاش برای فهم دیگری	
آموختن از دیگری	
	مؤلفه‌های مربوط به اهداف جمعی و عملی ادیان
وجود ارزش‌های فرادینی یا مشترک بین ادیان	تلاش برای ساختن جهانی بهتر
امکان همکاری ادیان	
* مشارکت در شناخت خداوند و گسترش شناخت حقیقت	
* تلاش برای ساختن جهان بهتر و حل معضلات بشر	
گفت‌وگو راهی اصلی برای رسیدن به اهداف و ارزش‌ها	

نگاهی به این چهار محور نشان می‌دهد که سه محور اول در خدمت محور چهارم‌اند؛ یعنی تلاش برای ساختن جهان بهتر. صلح، ارزش ذاتی دارد؛ زیرا انسان و حیات او اهمیت یافته است و انسان مدرن قصد دارد تا در صلح، زندگی‌اش را بسازد. برای اینکه به این صلح برسد، لازم است تا خصومت را کنار بگذارد و «دیگری را به رسمیت بشناسد و دیگری را نیز در کنار خود بپذیرد». رابطه خود و دیگری در جهان مدرن، نسبت به جهان سنتی تغییر کرده است؛ «خودی» نمی‌تواند مانند جهان گذشته ادعای آقایی و سروری داشته باشد؛ از این‌رو، جایگاه دیگری را نیز ارتقا می‌دهد و برای او کرامت ذاتی قائل می‌شود و او را نیز بهره‌مند از حقیقت و نجات معرفی می‌کند. و همه اینها در خدمت بُعد چهارم‌اند؛ یعنی من و دیگری - که او نیز همچون من ارج و قرب دارد - با هم همکاری می‌کنیم تا جهان را به جایی بهتر برای زندگی تبدیل کنیم. به همین دلیل است که گفتمان گفت‌وگوی ادیان را گفتمان همزیستی نیز می‌خوانند؛ زیرا محور در آن، زیستن و زندگی است.

بر این اساس می‌توان مدعی شد که نظام ارزشی حاکم بر این اسناد، هم بازتاب ارزش‌های مدرن (جهانی‌شدن، جنبش‌های ضد جنگ، ارزش حفظ جان انسان در هر صورت، پذیرش تکثر و...) است و هم پاسخی است به مسائل

و مشکلات جاری در دنیای مدرن (مشکلات و مسائل ناشی از نزاع‌ها، مسئله مهاجران در کشورهای غربی، تردیدهای انسان‌ها در اثر گسترش فناوری، مخاطرات زیست‌محیطی و...) در یک جمله می‌توان گفت: الگوی گفت‌وگوی ادیان، راه‌حلی مؤمنانه برای حفظ فعالیت دینی در جهانی است که ارزش‌های آن با جهان سنتی تغییر یافته است.

۳-۲. ارتقای جایگاه دیگری دینی در عین پذیرش اختلاف

چنان که پیش‌تر نیز اشاره شد، دیدگاه‌های موجود درباره تعامل بین ادیان را می‌توان ذیل سه دسته کلی دسته‌بندی کرد: طرفداران جدل و طرد دیگری دینی؛ الگوی پذیرش مطلق؛ و الگوی گفت‌وگوی ادیان. این تقسیم‌بندی سه‌گانه بدان معنا نیست که خطی واضح و پررنگ بین این الگوها وجود دارد و تمییز طرفداران گفت‌وگو از حامیان دو الگوی دیگر کاری ساده و امری روشن است؛ زیرا اولاً طرفداران گفت‌وگوی ادیان متنوع و گونه‌گون‌اند و ثانیاً شباهت‌های فراوانی بین سخنان و ادعاهای برخی گروه‌های طرفدار گفت‌وگو با دو گروه دیگر می‌بینیم. برای مثال، تأکید بر حفظ هویت دینی راه، هم در بین طرفداران گفت‌وگو می‌بینیم و هم در بین کسانی که مخالف گفت‌وگویند؛ یا تأکید بر مشترکات راه، هم در بین طرفداران گفت‌وگو می‌بینیم و هم در بین کسانی که اختلافات ادیان را صوری می‌دانند. در واقع، الگوی گفت‌وگو چتری بزرگ و دامن‌گستر است که طیف گسترده‌ای از نظریات و دیدگاه‌ها را شامل می‌شود. یک سر طیف دیدگاه‌هایی قرار دارند که شباهت‌های متعددی با الگوی طرد و انکار دارند و سر دیگر طیف دیدگاه‌هایی‌اند که به الگوی پذیرش مطلق شباهت دارند.

تحلیل مؤلفه‌های بیست‌ویک‌گانه پیش‌گفته نشان می‌دهد که دو ویژگی در الگوی گفت‌وگو وجود دارد که باعث می‌شود به‌رغم تنوع و گوناگونی مذکور، بتوان حامیان گفت‌وگو را از حامیان دو الگوی دیگر بازشناخت. این دو ویژگی، پاسخی است که طرفداران گفت‌وگو به دو پرسش ذیل می‌دهند:

- آیا اختلاف بین ادیان، واقعی است یا خیر؟
- اگر اختلاف واقعی است، باید چه رویکردی به دیگری دینی داشته باشیم؟

چنان‌که در مؤلفه‌های مربوط به اشتراکات و اختلافات ادیان مشاهده کردیم، طرفداران گفت‌وگو بر واقعی بودن اختلاف بین ادیان تأکید داشتند و مدعی بودند که این اختلافات باید به رسمیت شناخته شود و نباید برای پاک کردن آنها تلاش کرد. در واقع، دو مؤلفه به رسمیت شناختن اختلاف و لزوم حفظ هویت دینی، پاسخ گروه‌های طرفدار گفت‌وگو به پرسش اول است. این دو مؤلفه باعث می‌شود که طرفداران گفت‌وگو، از کسانی که به وحدت ادیان یا «یک‌الهیات برای همه» دعوت می‌کنند، تمایز بیابند. خود این اسناد، گاه به‌صراحت به این تمایز اشاره می‌کنند (ای.کی.دی، ۲۰۱۵، ص ۱۸). تأکید بر وجود اختلاف بین ادیان و لزوم به رسمیت شناختن این اختلافات، نقطه تمایز الگوی گفت‌وگو از الگوی پذیرش مطلق است.

پاسخ طرفداران گفت‌وگو به پرسش دوم نیز وجه تمایز آنان از الگوی طرد و انکار است. مؤلفه‌های مربوط به دیگری دینی در الگوی گفت‌وگو، از آزادی دینی، نفی تحمیل عقاید، کرامت ذاتی دیگری و نفی تبعیض، حتی تبعیض‌های دینی، سخن می‌گویند. آن‌گونه که بیان شد، تمام این مؤلفه‌ها قصد دارند تا جایگاه دیگری را از لحاظ آزادی و کرامت، تا حد خودی ارتقا دهند. همین «ارتقای جایگاه دیگری» نقطه تمایز الگوی گفت‌وگو از الگوی طرد و انکار است. از این‌رو، طرفدار گفت‌وگوی ادیان، حتی اگر در نگاه الهیاتی‌اش به شدت انحصارگرا باشد و دیگری را کاملاً باطل بداند، باز هم سطحی از آزادی و کرامت را برای دیگری در نظر می‌گیرد که به‌روشنی با الگوی طرد و انکار تفاوت دارد.

همین مسئله باعث می‌شود که نتوان تعاملات مسلمانان با اهل کتاب راه، گرچه اهل کتاب در حفظ دین خود مختار بودند، جزو گفت‌وگوی ادیان قرار داد؛ چراکه در بیشتر طول تاریخ و ذیل حکومت‌ها و خلافت‌های مختلف اسلامی، اهل کتاب، گرچه با پرداخت جزیه از امنیت سرزمین اسلامی برخوردار بودند، اما از نظر دینی در جایگاهی پایین‌تر از مسلمانان برخوردار بودند و حکومت‌ها، از نظر حقوقی نیز بین آنان و مسلمانان تبعیض‌هایی قائل می‌شدند.

در نتیجه، ما با طیفی از گروه‌ها و دیدگاه‌های متنوع مواجهیم که برخی از آنها از جهاتی شبیه به طردگرایانند (مثلاً در باب دستیابی به حقیقت انحصارگرایند) و برخی دیگر شباهت بسیاری به الگوی پذیرش مطلق دارند؛ اما دو ویژگی بالا طیف طرفداران گفت‌وگو را از دو گروه دیگر جدا می‌کند و به آن هویتی متمایز می‌بخشد. همچنین طیفی بودن این مسئله را به‌روشنی تبیین می‌کند که چرا برخی مؤلفه‌ها در یک سند، پررنگ‌تر از سند دیگرند یا برخی مؤلفه‌ها در برخی اسناد نیامده‌اند. برای مثال، درباره آموختن از دیگری، در سند نوسترا اتانه چیزی دیده نمی‌شود که همین امر منشأ انتقاداتی به این سند شده است (کوهن، ۲۰۱۷، ص ۶-۷)؛ اما علت این امر آن است که نوسترا اتانه رویکردی شمول‌گرایانه دارد و گرچه دیگری را به رسمیت می‌شناسد، اما چون خود را واجد کامل‌ترین حقیقت می‌داند، نیازی به آموختن از دیگری دینی احساس نمی‌کند.

۳-۳. ارجحیت عمل‌گرایی بر الهیات

همان‌گونه که در تحلیل مؤلفه‌های گفت‌وگوی ادیان بیان شد، گفت‌وگوی ادیان که یک الگوی کنشی و رفتاری است، تحقق هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و ساختن جهانی بهتر را هدف اصلی خود قرار داده است. این هدف عمل‌گرایانه باعث شده است که گفت‌وگوی ادیان موضوعات فرادینی یا مشترک بین ادیان را مبنای کار خود قرار می‌دهد. این خصلت فراالهیاتی بودن، که ناشی از عمل‌گرایی الگوی گفت‌وگوی ادیان است، موجب شده که این الگو بتواند خود را با دیدگاه‌های الهیاتی متنوعی سازگار کند. از این‌رو، می‌بینیم همین اسناد پنج‌گانه نیز مبانی متفاوتی

دربارهٔ تکرر ادیان دارند. این تنوع از نگاه شبه‌انحصارگرایانهٔ دابرو امت، تا درجه‌بندی حقیقت در کلمهٔ سواء، تا شمول‌گرایی در نوستراتات و تا حمایتِ خاصِ کلیسای انجیلی از تکرر ادیان را شامل می‌شود.

در میان این اسناد، دابرو امت از ادبیاتی استفاده می‌کند که بسیار شبیه به دیدگاه انحصارگرایی است؛ چراکه اولاً دربارهٔ بهره‌مندی مسیحیان از حق و رستگاری آنان سکوت کرده است؛ ثانیاً در مواردی هم که بر مشترکات تأکید می‌کند، خدای بنی‌اسرائیل را ملاک قرار می‌دهد: «گرچه پرستش مسیحی انتخاب دینی مقبولی برای یهودیان نیست، اما ما به‌عنوان الهیدانان یهودی ابراز شادمانی می‌کنیم که به واسطهٔ مسیحیت، صدها میلیون نفر وارد رابطه با خدای اسرائیل شده‌اند». آنجایی هم که از اشتراک در کتاب دینی سخن می‌گوید، از این سخن می‌گوید که مسیحیان نیز در این کتاب عقاید بنی‌اسرائیل را می‌یابند.

پاسخ نویسندگان دابرو امت در برابر انتقاد از موضع الهیاتی آنان نیز مؤید همین برداشت است. برخی از منتقدان دابرو امت با اشاره به این عبارت که «یهودیان و مسیحیان یک خدا را می‌پرستند»، نقد کرده‌اند که چرا این سند به نحو صریحی نظر مسیحیان دربارهٔ مشارکت عیسی در الوهیت را رد نمی‌کند؛ درحالی که اعتقاد به الوهیت عیسی، دستور خدا بر پرهیز از شرک را نقض می‌کند. نویسندگان دابرو امت در پاسخ به این اشکالات گفتند که این ناقدان اساساً ماهیت این بیانیه را اشتباه متوجه شده‌اند. دابرو امت یک سند عالمانه یا الهیاتی نیست؛ بلکه یک بیانیهٔ سیاسی است که قصد دارد توجه‌ها را به یک گفت‌وگوی جدی جلب کند و حداقل‌های لازم برای این گفت‌وگو را ارائه دهد (سندمل، ۲۰۱۷، ص ۵). دابرو امت، با تأکید بر مشترکات و نیز احاطهٔ قضاوت دربارهٔ اختلافات عقیدتی به آخرالزمان، خود را در گفتمان گفت‌وگو جا داده است و همان‌گونه که نویسندگان نیز گفته‌اند، حداقل‌های لازم برای گفت‌وگو را ارائه کرده است.

نامهٔ «کلمهٔ سواء» بر دیدگاه اسلامی درجه‌بندی دین بنا شده است؛ به این معنا که یهودیت و مسیحیت و اسلام، ریشه‌ای الهی دارند و با نسخ دین قبلی، دین بعدی - که کامل‌تر است - آمده است؛ در نتیجه، دین قبلی حتی اگر دیگر اعتبار خود را از دست داده باشد، باز هم نسخهٔ قبلی «دین» است. تعبیر اهل کتاب نیز به همین مسئله اشاره دارد که منشأ عقاید یهودیان و مسیحیان کتاب‌هایی است که خدا - پیش‌تر و در مراحل قبل - برای انسان فرستاده است. از این روست که می‌بینیم نویسندگان نامهٔ «کلمهٔ سواء» به کتاب مقدس مسیحیان استناد نموده و با آن به‌گونه‌ای برخورد کرده‌اند که گویی دارای اعتبار است و حتی اعلام می‌کنند، ما از مسیحیان می‌خواهیم که به کتاب خود بیشتر عمل کنند؛ اما از سوی دیگر، سعی کرده‌اند نحوهٔ استفادهٔ ایشان از کتاب مقدس با مبانی الهیاتی اسلامی نیز هماهنگ باشد؛ از این‌رو اصلاً از پولس و یوحنا نقل قول نکرده‌اند یا مثلاً وقتی از قرآن نقل قول می‌کنند، می‌گویند که خدا چنین گفت؛ اما در نقل قول از کتاب مقدس می‌گویند: عیسی چنین گفت یا اینکه این مطلب در کتاب مقدس نیز آمده است.

کلیسای کاتولیک در شورای واتیکان دو، در باب تکثر ادیان، موضعی شمول‌گرایانه برگزید. این نگاه در نوسترا اتاته نیز مشاهده می‌شود. از این‌رو می‌گوید: ادیان دیگر نیز «پرتوی از آن حقیقتی که تمام انسان‌ها را منور می‌کند را منعکس می‌کنند» (Nostra Aetate).

طبق دیدگاه شمول‌گرایانه کلیسای کاتولیک، بهره‌دیگر ادیان از حقیقت، در واقع پرتوی از حقیقتی است که در مسیح متجلی شده است. بر همین مبناست که کلیسای کاتولیک مسیحیت را در موقعیتی بسیار بالاتر قرار می‌دهد: «این درست است که پیروان دیگر ادیان می‌توانند فیض الهی را دریافت کنند، اما این نکته نیز مسلم است که آنان به‌شدت در مقایسه با کسانی که در کلیسا به کمال ابزار رستگاری دسترسی دارند، در موقعیت ضعیف‌تر و ناقص‌تری قرار دارند» (Dominus Iesus) و به همین دلیل است که کلیسای کاتولیک با اینکه بعد از شورای دوم واتیکان ادیان دیگر را نیز معتبر و محترم دانست، اما همچنان هم با پولرایسم مخالفت می‌کند و هم خصلت تبشیری خود را حفظ کرده است؛ چراکه معتقد است در مسیح بود که «خدایوند خود را به کامل‌ترین شکلش آشکار ساخت... این خودانکشافی خدا در مسیح، بنیادی‌ترین دلیلی است که توضیح می‌دهد که چرا کلیسا ذاتاً تبشیری است. کلیسا کاری به‌جز اعلام انجیل - یعنی کامل‌ترین حقیقتی که خدا ما را قادر ساخته است که درباره‌ی خود او بدانیم - نمی‌تواند بکند» (پاپ ژان پل دوم، ۱۹۹۰).

از سوی دیگر، همین نگاه شمول‌گرایانه باعث شده است که کلیسای کاتولیک همچنان بر انحراف دیگر ادیان تأکید کند و درباره‌ی مناسک دیگر ادیان موضعی دوگانه داشته باشد: از سویی، برخی از آنها را مفید و سودمند می‌داند؛ زیرا فرد را برای پذیرش حق آماده می‌کنند؛ و از سوی دیگر، مدعی می‌شود که سطح این اعمال، تنها در همین حد است که دل را آماده کند «و نباید برای این مناسک منشائی الهی قائل شد یا آنها را دارای اثر نجات‌بخش ناشی از عمل مسیح (ex opere operato) دانست» (Dominus Iesus).

در میان این اسناد، سند کلیسای انجیلی سندی است که صریح‌تر از دیگر اسناد درباره‌ی تکثر ادیان و لزوم پذیرش آن حرف می‌زند و می‌گوید: این نگاه «مبتنی بر این بینش است که هیچ منظر و دیدگاه خنثایی وجود ندارد که از آن منظر بتوانیم تمام ادیان را با هم مقایسه کنیم» (ای.کی.دی، ۲۰۱۵، ص ۵). این سند در مبنای الهیاتی خود می‌گوید که خود خدایوند این تکثر را مجاز دانسته است (همان، ص ۱۳). البته این سند نیز به‌رغم تأکید بسیار بر پذیرش تکثر ادیان، مؤلفه‌ی لزوم حفظ هویت خود را بیان می‌کند و با این دیدگاه نیز مخالف است که تفاوت‌ها را نادیده بگیریم و صرفاً بر نقطه‌ی مشترک ادیان تأکید کنیم (همان). در واقع، این سند با ترویج نوعی از کثرت‌گرایی، دیگری را معتبر می‌شمرد و با تأکید بر لزوم حفظ هویت مسیحی، بر خاص بودن خود تأکید می‌کند.

از آنجاکه گفت‌وگوی ادیان عملاً این ظرفیت را نشان داده است که بر دیدگاه‌های الهیاتی مختلفی بنا شود، نظریه‌پردازان امر گفت‌وگو گاه به این مسئله پرداخته‌اند که کدام مبنای الهیاتی برای گفت‌وگو بهتر است. برای مثال، در مقاله‌ای با عنوان «از (و نه فقط درباره‌ی) دیگر ادیان بیاموزیم»، پس از نقد مبنای شمول‌گرایانه نوسترا اتاته،

ادعا شده که بهتر است روابط ادیان را بر کثرت‌گرایی بنا کنیم؛ زیرا دیدگاه‌های کثرت‌گرایانه، ادیان جهان را از نظر بهره‌مندی از حقیقت و نجات، تقریباً برابر می‌بینند و این مسئله می‌تواند مواجههٔ صادقانه را ترغیب کند و دادوستدی ثمربخش بین پیروان ادیان پدید آورد (ر.ک: ثاتامانیل، ۲۰۱۷). در مقابل، کسانی نیز معتقدند بحث بر سر مبانی الهیاتی راهگشا نیست و برای رسیدن به هدف اصلی گفت‌وگوی ادیان باید راه‌حلی عمل‌گرایانه‌تر داشت. به همین دلیل، به‌جای بحث دربارهٔ اینکه کدام مبنا الهیاتی بهتر است، حداقل‌هایی را به‌عنوان لازمهٔ گفت‌وگو مطرح کرده‌اند: «ادعان به اینکه درجه‌ای از حقیقت الهی در هر دین وجود دارد، همراه با آمادگی جهت آموختن از آن حقیقت، شرط لازم برای روابط ثمربخش بین ادیان است» (کوهن، ۲۰۱۷، ص ۱۱).

تنوع الهیاتی اسناد پنج‌گانه و نیز بحث‌های نظریه‌پردازان گفت‌وگو بر سر انتخاب مبنا الهیاتی یا اتخاذ مبانی عمل‌گرایانه، نشان می‌دهد که الگوی گفت‌وگو در ذات خود موضعی فراالهیاتی دارد. این الگو در ذات خود کاملاً عمل‌گرایانه است؛ چراکه قصد دارد راهی بیابد که ادیان مختلف در دنیای جدید امکان همکاری و بقا داشته باشند.

نتیجه‌گیری

بسیاری از نظریه‌پردازان معتقدند که گفت‌وگوی ادیان به معنایی که امروزه رواج دارد، با تعاملات مسالمت‌آمیزی که در گذشته بین پیروان ادیان رخ می‌داده است، تفاوت بینادین دارد. برای تبیین این وجه تمایز، ابتدا بیان شد که آنچه امروزه به‌عنوان گفت‌وگوی ادیان رواج دارد، نه یک مکالمهٔ الهیاتی، بلکه الگویی برای کنش و تعامل است. در ادامه، برای کشف خصوصیتی که باعث می‌شود این الگو ماهیتی متمایز بیابد، به تحلیل مؤلفه‌های اصلی این الگو پرداختیم. نگاهی به مفاهیم و مؤلفه‌های سازندهٔ این الگو نشان می‌دهد که چهار ارزش اصلی به الگوی گفت‌وگوی ادیان جهت می‌دهند که عبارت‌اند از: ارزش ذاتی صلح؛ من و دیگری در کنار هم؛ ارتقای جایگاه دیگری؛ و تلاش برای ساختن جهانی بهتر. همچنین بیان شد که در بین این چهار ارزش نیز ارزش چهارم محوریت دارد. مروری بر این مؤلفه‌ها و ارزش‌ها نشان‌دهندهٔ روح مدرن الگوی گفت‌وگوست. همچنین بیان شد که عمل‌گرایانه بودن هدف گفت‌وگوی ادیان - که ناشی از همین روح مدرن است - گفت‌وگوی ادیان را به امری فراالهیاتی بدل کرده است که می‌تواند با مبانی الهیاتی متفاوت و متنوعی سازگار شود. همچنین نشان دادیم که ارتقای جایگاه دیگری دینی باعث شده است که تقریباً هیچ یک از نمونه‌هایی که در تاریخ شاهد همزیستی مسالمت‌آمیز بین پیروان ادیان ابراهیمی هستیم، شباهتی به آنچه در گفت‌وگوی ادیان رخ می‌دهد، نداشته باشد. به همین دلیل است که نمی‌توان برخورد مسالمت‌جویانهٔ مسلمانان با یهودیان و مسیحیان ذیل عنوان اهل کتاب را ذیل الگوی گفت‌وگوی ادیان قرار داد؛ چراکه آن تعامل، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های الگوی گفت‌وگو را ندارد. این ویژگی‌ها همان وجه تمایزی‌اند که گفت‌وگوی ادیان را تشخص می‌بخشد و گفت‌وگوی ادیان را به الگویی برای تعامل و کنش تبدیل می‌کنند که با دربرگرفتن ارزش‌های مدرن و سازگار شدن با آنها، راهی پیش پای پیروان ادیان می‌گشاید تا بتوانند حضورشان را در دنیای مدرن و مطابق با دنیای مدرن ادامه دهند.

منابع

- استراوس، انسلم و جولیت کرین، ۱۳۹۱، *مبانی پژوهش کیفی*، ترجمه ابراهیم افشار، چ دوم، تهران، نشر نی.
- اشمیتز، ۱۳۸۰، «مبانی گفت‌وگو میان ادیان»، ترجمه محمد حبیبی مجنده، *نامه مفید*، ش ۲۵، ص ۲۵۳-۲۷۳.
- بهروزی لک، غلامرضا و حسن علی یاری، ۱۳۹۶، «کاربرد روش تحقیق نظریه داده بنیاد در استخراج نظریه از متون دینی»، *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ش ۷۳، ص ۵۵۰-۵۶۵.
- حقانی فضل، محمد، ۱۳۹۷، *بررسی تأثیر ماهیت گفت‌وگوی ادیان بر تفسیر متون مقدس*، پایان‌نامه دکتری، چاپ نشده، دانشگاه ادیان و مذاهب قم.
- خنیفر، حسین و ناهید مسلمی، ۱۳۹۶، *اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی*، تهران، نگاه دانش.
- رنارد، جان، ۱۳۹۴، *اسلام و مسیحیت: بررسی تطبیقی اندیشه‌های کلامی*، ترجمه و تحقیق احمد نمایی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی. ساغرانی، سیما و دیگران، ۱۳۹۳، «تحمیل نظریه به داده‌ها یا ظهور نظریه از داده‌ها: نظریه‌پردازی در علوم انسانی با روش‌شناسی نظریه داده‌بنیاد»، *پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت*، ش ۴، ص ۱۵۱-۱۷۰.
- شارپ، اریک، ۱۳۸۴، «گفت‌وگوی ادیان»، ترجمه غلامرضا اکرمی، *اخبار ادیان*، ش ۱۷، ص ۳۳-۳۷.
- مهرابی، امیرحمزه و دیگران، ۱۳۹۰، «معرفی روش‌شناسی نظریه داده‌بنیاد برای تحقیقات اسلامی (ارائه یک نمونه)»، *مدیریت فرهنگ سازمانی*، ش ۲۳، ص ۵-۳۰.

A Common Word between Us and You (ACW Letter). Retrieved from:

<https://www.acommonword.com/the-acw-document/>

Borelli, John, 2017, "Nostra Aetate: Origin, History, and Vatican II Context", in: *The Future of Interreligious Dialogue: A Multi-Religious Conversation on Nostra Aetate*, Editors: Cohen, Charles L., Knitter, Paul F., Rosenhagen, Ulrich, Orbis Books.

Cohen, Charles L., 2017, "Introduction: Some Declarations on the Relation of the Non-Christian Religions to the Church", in: *The Future of Interreligious Dialogue: A Multi-Religious Conversation on Nostra Aetate*, Editors: Cohen, Charles L., Knitter, Paul F., Rosenhagen, Ulrich, Orbis Books.

Cornille, Catherine, 2013, "Conditions for Inter-Religious Dialogue", *The Wiley-Blackwell Companion to Inter-Religious Dialogue*, New York: John Wiley & Sons.

Dabru Emet: A Jewish Statement on Christians And Christianity. Retrieved form:

http://www.jcrelations.net/Dabru_Emet_-_A_Jewish_Statement_on_Christians_and_Christianity.2395.0.html

- Dominus Iesus: Declaration on the Unicity and Salvific Universality of Jesus Christ and the Church, 2000. Retrieved from: http://www.vatican.va/roman_curia/congregations/cfaith/documents/rc_con_cfaith_doc_20000806_dominus-iesus_en.html
- Evangelische Kirche in Deutschland* (EKD), 2016, *Christian Faith and Religious Diversity - a Protestant Perspective: A Foundational Text from the Council of the Evangelical Church in Germany*.
- Gerstenberger, Erhard, 2017, "Plurality of Theologies in Bible and Church Life", in: *Interreligious Relations: Biblical Perspectives*, Hallvard Hagelia and Markus Zehnder (eds.), Bloomsbury T&T Clark.
- Hedges, Paul, 2010, *Controversies in Interreligious Dialogue and the Theology of Religions*, London: SCM Press.
- Kajivora, Edward , 2012, "Interreligious Dialogue and Its Impact on Bible Translation in Sudan", *The Bible Translator*, Vol. 63 No. 3, p.69-178.
- Kasper, Walter card., 2001, "The Jewish-Christian Dialogue: Foundations, Progress, Difficulties and Perspectives", *Lecture in Jerusalem*, p.19-23. Rterived from http://www.vatican.va/roman_curia/pontifical_councils/chrstuni/card-kasper-docs/rc_pc_chrstuni_doc_20011123_kasper-jews-christians_en.html
- Kessler, Edward, 2002, "Understanding Christianity Today - Jewish Perspectives: Dabru Emet: A Jewish Statement on Christianity", *Reviews in Religion and Theology* 9, no. 5, p479-87.
- Lamb, Matthew L. and Matthew Levering (eds.), 2008, *Vatican II: Renewal within Tradition*, Oxford University Press.
- McDermott, Gerald R., 2010, *Can Evangelicals Learn from World Religions?: Jesus, Revelation & Religious Traditions*, InterVarsity Press.
- Mu'assasat Āl al-Bayt lil-Fikr al-Islāmī, 2012, *A Common Word Between Us and You: 5-year Anniversary Edition*, Royal Aal Al-Bayt Institute for Islamic Thought.
- Nnabugwu, Joseph, 2011, *Analyzing A Common Word Between Us Muslims and You Christians: A Critical Discourse Analysis*, Xlibris Corporation.
- Nostra Aetate, 1965, *Declaration on the Relation of the Church to Non-Christian Religions*, Proclaimed by His Holiness Pope Paul VI.

- Pope Benedict XVI, 2006, "Faith, Reason and the University: Memories and Reflections", *Meeting with the Representatives of Science*, Aula Magna of the University of Regensburg, Tuesday.
- Pope Francis, 2015, "Interreligious General Audience; on the Occasion of the 50th Anniversary of the Promulgation of the Conciliar Declaration 'Nostra Aetate,'".
- Pope John Paul II, *Redemptoris missio* (Latin: The Mission of the Redeemer): On the permanent validity of the Church's missionary mandate, 7 December 1990. Retrieved from: http://w2.vatican.va/content/john-paul-ii/en/encyclicals/documents/hf_jp-ii_enc_07121990_redemptoris-missio.html
- Rosen, David, 2001, "Dabru Emet": Its Significance for the Jewish-Christian Dialogue", An address given at the 20th anniversary celebration of the Dutch Council of Christians and Jews (OJEC) at Tilburg, The Netherlands. Retrieved from: <http://www.jcrelations.net/Dabru+Emet:+Its+Significance+for+the+Jewish-Christian+Dialogue.1504.0.html?id=980>
- Sandmel, Rabbi David Fox, 2017, "Who Do You Say That I Am? Jewish Responses to Nostra Aetate and Post-Holocaust Christianity", in: *The Future of Interreligious Dialogue: A Multi-Religious Conversation on Nostra Aetate*, Editors: Cohen, Charles L., Knitter, Paul F., Rosenhagen, Ulrich, Orbis Books.
- Taylor, John v., 1979, "The Theological Basis of Interfaith Dialogue", *International Review of Mission*, Vol.68, No.272, P.373-384.
- Thatamanil, John J., 2017, "Learning from (and Not Just about) Our Religious Neighbors: Comparative Theology and the Future of Nostra Aetate", in: *The Future of Interreligious Dialogue: A Multi-Religious Conversation on Nostra Aetate*, Editors: Cohen, Charles L., Knitter, Paul F., Rosenhagen, Ulrich, Orbis Books.
- Valkenberg, Pim, 2016, "Nostra Aetate: Historical Contingency and Theological Significance", in: *Pim Valkenberg*, Anthony Cirelli (eds.), *Nostra Aetate*, CUA Press.
- Van Dam, Cornelis, 2017, "Interreligious Relations and the Challenge of Multiculturalism: Some Biblical Principles", in: *Interreligious Relations: Biblical Perspectives*, Hallvard Hagelia and Markus Zehnder (eds.), Bloomsbury T&T Clark.
- World Council of Churches (WCC), 2016, *Called to Dialogue: Interreligious and Intra-Christian Dialogue in Ecumenical Conversation, A Practical Guide*, WCC Publications.